

اهل کتاب، پیروان ادیان الهی پیش از اسلام و دارای کتاب آسمانی مستقل^۱

----- محمد کاظم شاکر^۲ و سید محسن شریفی^۳

اهل کتاب در اصطلاح به پیروان ادیان الهی گفته می‌شود (ر.ک: شهرستانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۰۸). در قرآن کریم نیز به کسانی که خود را پیرو آیین یهود یا نصاری دانسته‌اند و کتاب آسمانی دارند، اهل کتاب گفته شده و به نزول کتاب آسمانی بر آنان اشاره شده است (انعام: ۱۵۵-۱۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۹۷). در قرآن، این اصطلاح به سه صورت به کار رفته است: برای یهود و نصاری (مانده: ۶۸؛ ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۶۴-۶۶)، تنها یهود (نساء: ۱۵۳؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۱۹) و تنها نصاری (نساء: ۱۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۲۳). با توجه به سیاق آیات، بیشترین کاربرد آن درباره یهود است. در فقه، درباره کاربرد اهل کتاب برای یهود و نصاری اتفاق نظر وجود دارد (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۴۳۰)، ولی درباره مجوس و صابئان اختلاف نظر هست. به نظر برخی از فقهای امامیه، احتمال دارد مجوس کتاب آسمانی داشته باشند (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶). برخی با آنان معامله اهل کتاب کرده (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۴،

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.
۲. استاد دانشگاه علامه طباطبائی (mk_shaker@yahoo.com).
۳. هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه قم؛ (Mohsen.sharifi@qom.ac.ir).

ص ۴۳۰) و آنان را اهل کتاب یا در حکم اهل کتاب دانسته‌اند (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۱، ص ۲۲۸-۲۳۱؛ کلانتری، ۱۴۱۶، ص ۵۵-۵۶). درباره صابنان، برخی فقها آنان را به دو گروه مشرک و اهل کتاب تقسیم کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۸۶؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۸۵). حنفی‌ها نیز معتقدان به دین الهی و دارای کتاب آسمانی را اهل کتاب دانسته‌اند (زیعلی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۱۱۰). به گزارش برخی از پژوهشگران، حنفی‌ها مجوس را اهل کتاب می‌دانند (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۱۱۹؛ ابن ترکمانی، بی تا، ج ۹، ص ۱۸۹)، اما مالک بن انس آنان را اهل کتاب ندانسته (ر.ک: ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۴۰؛ ۱۳۲۳، ج ۳، ص ۳۹۱) و شافعی، به تبع وی، اهل کتاب مشهور را یهود و نصاری ذکر کرده و مجوس را اهل کتاب ندانسته است (بیهقی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۷۳؛ نووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۸۷). حنبلیان نیز با مالکیان و شافعیان هم نظرند (ر.ک: احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۱۰).

برخی از مفسران اهل سنت فقط یهود و نصاری را اهل کتاب دانسته (سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۳؛ بغوی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۲) و مجوس را آتش پرست خوانده‌اند (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۱۰)، اما مفسران شیعه آنان را اهل کتاب می‌دانند و وجود نام یهود و نصاری را در آیه ۱۵۶ سوره انعام دلیل اهل کتاب نبودن پیروان بقیه ادیان نمی‌دانند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۲۴). در بیشتر مصادر حدیثی اهل سنت نیز مجوس از اهل کتاب ذکر نشده‌اند (دارقطنی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۰؛ شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۷، ص ۲۲۳)، اما در برخی از منابع ایشان روایتی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که در آن مجوس اهل کتاب دانسته شده است (مالک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۷۸). در دسته‌ای از روایات شیعه نیز مجوس را اهل کتاب دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۵۶۷-۵۶۸؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۲۶).

اصطلاح «أَهْلِ الْكِتَابِ» ۳۱ بار در ۳۱ آیه از ۹ سوره قرآن کریم به کار رفته است (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۹۵-۹۶)، که همگی مدنی‌اند، به جز سوره عنکبوت که از آخرین سوره‌های مکی است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۲۵). چند تعبیر مشابه نیز در قرآن وجود دارد، از جمله «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» که ۱۷ بار به کار رفته (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۵۹۲-۵۹۵) و به جز سوره مدثر، همه این سوره‌ها مدنی‌اند (ر.ک:

طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۷۹)؛ «أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ» که ۳ بار به کار رفته است (آل عمران: ۲۳؛ نساء: ۴۴، ۵۱)؛ «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ» که ۷ بار آمده است (ر.ک: بقره: ۱۲۱، ۱۴۶؛ انعام: ۲۰، ۸۹، ۱۱۴؛ رعد: ۳۶؛ قصص: ۵۲) و جز سوره بقره و رعد، بقیه سوره‌ها مکی‌اند (← مقاله ترتیب نزول سوره‌ها)؛ و تعبیر «الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ» که در آیه ۹۴ سوره یونس که مکی است آمده است و به اهل کتاب اشاره می‌کند. بنابراین، اشاره به اهل کتاب از اولین سوره‌های مکی تا آخرین سوره‌های مدنی وجود دارد؛ گرچه به سبب حضور اهل کتاب در مدینه و تعامل پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان با آنان، آیات مدنی بیش از مکی است.

اهل کتاب، به‌عنوان یکی از گروه‌های مهم و تأثیرگذار در صدر اسلام، همواره مورد توجه مورخان (ر.ک: واقلدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۶؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲) و مفسران (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۹) بوده‌اند و در کتاب‌های تاریخی و تفسیری از آنان یاد شده است. فقها نیز در مباحث فقهی، مانند احکام اهل ذمه (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۱، ص ۲۲۷) و نجاست کفار (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۲) و اقسام کفار (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۴۶)، به اهل کتاب پرداخته و حتی در این باره آثار مستقلی تألیف کرده‌اند، مانند تحریم ذبائح اهل کتاب شیخ مفید، حرمة ذبائح اهل کتاب شیخ بهائی، و لُبُّ اللِّبَابِ فِی طَهَارَةِ اَهْلِ الْكِتَابِ مرتضوی لنگرودی.

در آثار مستقلی نیز به بررسی اهل کتاب از دیدگاه قرآن پرداخته شده است که عبارت‌اند از: اهل کتاب از دیدگاه قرآن کریم اثر فرامرز رضائی، و اهل کتاب در قرآن تألیف یونس جهانبخش. مقالاتی نیز در این باره تألیف شده است، از جمله در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۷۵-۴۷۸)، دائرةالمعارف قرآن کریم (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۴۲-۱۶۰)، در مقالات «اهل کتاب» در دائرةالمعارف قرآن لایدن (See: Sharon, vol 4, pp 36-43) و دائرةالمعارف قرآن راتلیج به اهل کتاب از منظر آیات قرآن توجه شده است (See: Leaman, 2006, pp 18-19).

سیمای اهل کتاب در قرآن

در آیات مکی و مدنی، درباره دیدگاه‌های اساسی قرآن راجع به اهل کتاب تفاوت چندانی دیده نمی‌شود. قرآن نه همه اهل کتاب را با همه عقایدشان تأیید و نه همه را رد کرده (آل عمران: ۱۱۰، ۱۱۳)، بلکه

به اقتضای حال با اهل کتاب و عقایدشان برخورد کرده و اصل دین و کتاب آسمانی آنان را تأیید نموده است (آل عمران: ۳، ۶۵؛ ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۹۰، ۵۹۵).

۱. **بشارت اهل کتاب:** بشارت‌های پیامبران پیشین و کتاب‌های آسمانی درباره بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از مباحث اساسی راجع به اهل کتاب است (اعراف: ۱۵۷؛ فتح: ۲۹؛ صف: ۶؛ عیاشی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۹۴)، خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته است که به امت‌های خود ابلاغ کنند هرگاه پیامبری آمد و آموزه‌های وحیانی پیامبران پیشین را تصدیق کرد، به او ایمان آورند و او را یاری کنند «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» (آل عمران: ۸۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۳۵-۲۳۶). افزون بر این، این پیمان برای اهل کتاب، بشارت ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۱۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵۸)، چنان‌که در برخی روایات اشاره شده است که انبیای پیشین به امت خود بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بشارت دادند و امر کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۱۲)؛ هرچند بسیاری از اهل کتاب هنگام ظهور آن حضرت به انکار و کتمان پرداختند، درحالی‌که به حقیقت آگاه بودند (بقره: ۸۹؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۱۰-۳۱۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۴) و به سبب عمل نکردن به پیمانشان، خداوند آنان را توبیخ کرد (آل عمران: ۱۸۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۵۹).

۲. **عقاید اهل کتاب:** قرآن از اهل کتاب خواسته است عقاید باطل، مانند شرک، را رها کنند و با تکیه بر عقاید مشترک، همراه مسلمانان شوند «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران: ۶۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۸۶) و به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسلمانان سفارش کرده است با روش نیکو و پرهیز از جدال با اهل کتاب، بر اساس عقاید مشترک بحث کنند «وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: ۴۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۳۵۰). قرآن به اهل کتاب وعده داده است که در صورت پذیرش اسلام، گناهانشان پاک می‌گردد و اهل بهشت می‌شوند. همچنین پایبندیشان به تورات و انجیل زمینه‌ساز برخورداری از برکات آسمان و زمین می‌گردد.

(مائده: ۶۵-۶۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۹۷)، زیرا این کار منجر می‌شود اسلام را بپذیرند و پذیرش اسلام به خیر و صلاح آنان است «وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ» (آل عمران: ۱۱۰؛ سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۸).

۳. موضع‌گیری اهل کتاب و قرآن: در طول رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل کتاب در حوادث مختلف مواضع گوناگونی داشته‌اند و قرآن کریم هم متناسب با رفتار آنان موضع‌گیری کرده است. این امر از جمله حکمت‌های نزول تدریجی قرآن است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۱۲) و نادرستی ادعای برخی از مستشرقان را نشان می‌دهد. آنان مدعی‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از هجرت به مدینه، از آیین اهل کتاب تصور درستی نداشت، زیرا برخلاف آیات مدنی، در آیات مکی دیدگاه مثبت و نیکخواهانه‌ای به اهل کتاب وجود دارد و با آنان کمتر مجادله شده است و حتی آنان الگویی درخور پیروی معرفی شده‌اند. همچنین به‌باور ایشان، از میان دو گروه اهل کتاب، قرآن یهودیان را بدتر از مسیحیان می‌داند (Leaman, Christianity, pp۳۳۳; Id, Judaism, pp۱۴۵). این موضوع از نحوه برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با اهل کتاب (ر.ک: ادامه مقاله)، به‌ویژه یهودیان، کاملاً مشخص است، زیرا بیشتر درگیری‌ها با یهودیان بوده است (ر.ک: صادقی، ۱۳۷۹، ص ۸-۲۳).

۴. تفاوت برخورد با یهود و نصاری: در قرآن کریم درباره نصاری و یهودیان، از حیث عقیده و عمل، تفاوت وجود دارد. قرآن با عقاید غلط هر دو گروه برخورد کرده که با مسیحیان شدیدتر بوده است، چنان‌که عقاید اصلی آنان، مانند تصلیب و تثلیث و تجسد را (← مقاله مسیحیت)، مردود دانسته و حتی دو مورد اخیر را کفرآمیز دانسته است (نساء: ۱۵۶-۱۵۷؛ مائده: ۱۷، ۷۲-۷۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۳۳).

اما در ساحت عمل، علت برخوردهای اسلام با یهود را باید در همسایگی جامعه یهود با مسلمانان و معاشرت فراوان آنان با یکدیگر جستجو کرد و از همین رو قرآن به رفتارهای یهود بیشتر توجه کرده است. از سوی دیگر، جامعه مسیحی خصمانه به مقابله با اسلام و مسلمانان پرداخته و از این رو رفتار قرآن نیز با آنان خصمانه نبوده است. بررسی ویژگی‌های اهل کتاب در هر یک از آیات مکی و مدنی، پابندی قرآن را به اصول اساسی در سراسر دوره رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد (ر.ک: ادامه مقاله).

طبقه بندی اهل کتاب

قرآن با تعبیر صریح «لَيْسُوا سَوَاءً؛ همه یکسان نیستند» (آل عمران: ۱۱۳) درباره اهل کتاب، بر لزوم طبقه بندی آنان در گروه های متفاوت صحه گذاشته و بعضی از آنان را میانه رو و بسیاری را بدکار دانسته است «وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰؛ ر.ک: مائده: ۵۹، ۶۶). قرآن گروهی از اهل کتاب را با وصف ایمان و عمل صالح ستوده و بر مأجور بودن سعی و عملشان تأکید کرده (آل عمران: ۱۱۴؛ مائده: ۸۲؛ قصص: ۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۱۵) و در مقابل، از گروه دیگری با وصف کفر و فسق یاد کرده (مائده: ۶۱، ۶۶، ۸۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۷۹) و صف آرایی آنان را در برابر دین حق سخت نکوهیده است (بقره: ۱۰۵، ۱۲۰-۱۲۱). در برخی آیات از کینه توزی یهود و نرمش نصاری در قبال اسلام یاد شده و از اهل کتاب، یهودیان را سرسخت ترین دشمنان بر شمرده است (مائده: ۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۵). همچنین از این حقیقت پرده برداشته است که کافران اهل کتاب از نزول برکات بر شما ناخرسندند «مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۱۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۸۶). درباره مؤمنان اهل کتاب این اختلاف نظر وجود دارد که آنها کسانی هستند که به اسلام ایمان آورده یا اهل کتاب اند و از نظر قرآن مؤمن به شمار می آیند و شایسته تجلیل اند (ر.ک: قصص: ۵۲-۵۴؛ ر.ک: ادامه مقاله). طبری در تفسیر آیه ۱۱۳ سوره آل عمران «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَانِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» بر آن است که منظور اهل کتابی هستند که به اسلام گرویده اند و در نماز عشاء قرآن می خوانند، زیرا اهل کتاب نماز عشا نمی خواندند و این از نشانه های مسلمانی بود (ر.ک: ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۷). ابن کثیر قول مشهور بسیاری از مفسران را همین دانسته است (۱۴۱۹، ج ۲، ص ۹۱)، هر چند عده ای بر آن اند مراد قرآن کسانی هستند که بین دین خودشان و ایمان به پیامبر اکرم ﷺ جمع کرده اند (شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۵). به باور برخی، اهل سنت اجماع دارند که اهل کتاب ستوده شده در قرآن، کسانی هستند که به پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورده اند (دعواق، ۱۴۱۹، ص ۲۲).

در اولین آیاتی که از اهل کتاب یاد شده است، آنان با مؤمنان در یک صف قرار گرفته اند و در مقابلشان

کافران و بیمار دلان هستند «وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا» (مدثر: ۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸۱-۱۸۲). علامه طباطبائی با اشاره به اینکه قرآن از مؤمنان اهل کتاب با وصف «اهل کتاب» یاد کرده است (آل عمران: ۱۱۳، ۱۹۹)، حمل آن را بر مسلمانانی که پیشینه کتابی بودن دارند، بعید دانسته است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۸۹). افزون بر این، در سوره مائده آشکارا گروهی از اهل کتاب (مسیحیان) ستوده شده‌اند؛ کسانی که تکبر ندارند و هنگامی که آیات الهی را می‌شنوند، اشک از چشمانشان جاری می‌شود و می‌گویند پروردگارا ایمان آوردیم (مانده: ۸۲-۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۴۷). از ظاهر این آیات معلوم می‌شود که این تمجید کسانی نیست که مسلمان شده‌اند، بلکه در عین حال که مسیحی‌اند، تحسین شده‌اند و به تعبیر خود قرآن به دلیل صفات نیکی که دارند، به مسلمانان نزدیک‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۱۶). از ظاهر برخی آیات «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران: ۱۹۹) استفاده می‌شود که خوبان اهل کتاب در وهله نخست لازم ندیدند کتاب و دین خود را کنار بگذارند، بلکه ضمن تدین به دین خود، به سخنان پیامبر ﷺ نیز ایمان داشتند.

قرآن کریم خطاب به کافران اهل کتاب، ایمان به خدا و آنچه بر پیامبر اکرم ﷺ و پیش از او نازل شده است را ملاک ایمان حقیقی می‌داند (مانده: ۵۹؛ ر.ک: شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۷۶). بنابراین، ملاک ایمان، ایمان به کل است، همان‌طور که در برخی آیات بیان شده است (نساء: ۱۶۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۸) و اهل کتاب با این نشانه‌ها باید به این دین جدید بپیوندند و دست از کفر خود بردارند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰۶-۴۰۷). برخی از آیات نیز تصریح دارند کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده شده است، به قرآن ایمان می‌آورند (قصص: ۵۲؛ عنکبوت: ۴۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱۳، ص ۴۱۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۲۹۶). مفسران ذیل این آیات از اسلام برخی از اهل کتاب یاد کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۲۵؛ شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۸۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۸۸). بنا بر روایات نیز ایمان‌آوردگان اهل کتاب دارای پاداش مضاعف‌اند (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۴؛ دارمی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۵؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۳).

اهل کتاب در آیات مکی: در آیات مکی قرآن نیز از اهل کتاب یاد شده و از مشرکان مکه خواسته شده است صدق رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از اهل کتاب جو یا شوند «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۶۴)، به ویژه که مشرکان به اهل کتاب، به عنوان عالمان به کتاب های آسمانی، اعتماد داشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۵۷؛ شبر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۱۷). درباره حضور اهل کتاب در مکه، از یهود و نصاری، اظهار نظر قطعی نشده است، اما نشانه هایی از حضور معدودی از نصرانیان در مکه وجود دارد و عرب های مکه از آنان شنیده بودند پیامبری مبعوث خواهد شد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۴۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۴). برخی از این نصرانیان برده بوده اند (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵؛ ج ۴، ص ۳۸۵)، مانند چند برده مسیحی که در اطراف مکه زندگی می کردند و مشرکان مدعی بودند پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را از آنان فرا گرفته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۹۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۶۰۹). برخی از محققان حبشیان را که در اطراف مکه ساکن بودند، از بقایای حبشیان و معدود مسیحیان مکه دانسته اند (ر.ک: جواد علی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷-۳۰). از گرایش برخی از قریشیان به آیین مسیحیت نیز خبر داده شده است (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲، ص ۶۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۱-۸۹). به گفته مورخان، ورقه بن نوفل نصرانی بوده (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۶) و انجیل را به عربی می نوشته است (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۸).

برخی از محققان معاصر نیز از آیات مکی (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷؛ عنکبوت: ۴۶) نتیجه گرفته اند که اهل کتاب در مکه حضور داشتند و بیشتر آنان نصرانی بودند و همزمان با بعثت رسول خدا، یا در گذشته ای نه چندان دور، به مکه آمده بودند (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷-۱۷۲). شاهد آن، آیه ۱۰۳ سوره نحل است که خبر می دهد زبان آنان عربی فصیح نبوده است «لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ لِإِيَّهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ». حضور این افراد، با توجه به ارتباط تجاری مکه با سرزمین هایی چون مصر، حبشه، ایران، شام و عراق طبیعی است، هر چند تعدادشان با یهودیان مدینه قابل مقایسه نبود (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴-۱۶۶).

در اولین آیه راجع به اهل کتاب، از آنان در کنار مؤمنان و در مقابل کافران یاد شده است (مدثر، ۳۱؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۹۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۱۰۱). در دومین یادکرد از

ایشان در آیات ۵۲ و ۵۳ سوره قصص (از سوره‌های مکی)، از اسلام آوردن برخی از اهل کتاب و ایمان آوردنشان به قرآن یاد شده «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ * وَإِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ» و به آنان دو پاداش وعده داده شده است «أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» (قصص: ۵۴؛ ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۲۲۰). مفسران شأن نزول این آیات را برخی از مسیحیان حبشه و شام دانسته‌اند که در مکه به حضور پیامبر ﷺ رسیدند و ایمان آوردند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۳۴۹؛ بغوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۴۰۳؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۶۷).

سومین بار در آیه ۹۴ سوره یونس، از سوره‌های مکی، از اهل کتاب یاد شده است. در این آیه، خداوند از پیامبر ﷺ می‌خواهد اگر درباره آنچه بر وی نازل شده است تردیدی وجود دارد، از کسانی بپرسد که پیش از او کتاب آسمانی را خوانده‌اند «فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ». گرچه ظاهر خطاب آیه به پیامبر ﷺ است، مفسران آن را تعبیری مجازی و کنایه دانسته‌اند (ر.ک: حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۸۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۷۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۲۳). برخی نیز آن را حاوی نکته‌ای بلاغی دانسته و بر آن‌اند که چون عالمان اهل کتاب به حقانیت پیامبر ﷺ یقین داشتند، هدف آیه اشاره به علم اهل کتاب به نبوت پیامبر بوده است (ر.ک: زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۷۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۲۴۱؛ طنطاوی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۳۲)، چنان‌که در آیه‌ای دیگر آمده است که اهل کتاب پیامبر ﷺ را مانند فرزندان خود می‌شناسند «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (انعام: ۲۰؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۲۷۲). نزول این آیه نیز مربوط به دوران مکه است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۳۶) و چنان‌که گفته شده، سوره عنکبوت آخرین سوره مکی است (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۳۷) که در آن از اهل کتاب سخن به میان آمده است. این سوره در موقعیتی نازل شد که مسلمانان در آستانه هجرت به مدینه بودند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۲۷). چون بخش مهمی از جامعه مدینه اهل کتاب بودند، نزول این آیات حاکی از واقع‌نگری قرآن است. این آیات به روشنی بیان می‌کنند که گفتگوی مسالمت‌آمیز و جدال احسن باید اساس تعامل مسلمانان با اهل کتاب باشد. در عین حال، حساب کسانی

را که راه ظلم را برمی‌گزینند، از دیگران جدا می‌کند «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت: ۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴۹). همچنین بیان می‌کند که پیام مسلمانان به اهل کتاب پیام وحدت است؛ خدا یکی است و مسلمانان به آنچه بر پیامبر اسلام ﷺ و پیامبران دیگر نازل شده است، ایمان دارند «وَالِهْنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت: ۴۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۳۸). انتظار آن است که اهل کتاب نیز افزون بر ایمان به کتاب‌های پیشین، به قرآن نیز ایمان آورند (عنکبوت: ۴۶-۴۷؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۳۸۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۵۲۵).

اهل کتاب در آیات مدنی

سال‌ها پیش از هجرت پیامبر ﷺ، اهل کتاب ساکن یثرب با توجه به کتاب‌های مقدس و سنت شفاهی خود، در انتظار آمدن پیامبر آخرالزمان بودند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳؛ عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۷۳). انتقال این دیدگاه به مردم یثرب، در آمادگی آنان برای پذیرش دین حق تأثیر بسیاری داشت (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۴۵) و انتظار می‌رفت اهل کتاب در ایمان به پیامبر ﷺ از دیگران پیشی بگیرند، اما با اینکه پیامبر ﷺ را مانند فرزندانشان می‌شناختند «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۲۷۲؛ شبیبانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲۲)، بیشترشان آگاهانه حقیقت را کتمان کردند؛ البته به تصریح قرآن کریم، گروهی از ایشان ایمان آوردند، چنان‌که در سوره بقره، که اولین سوره مدنی است (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۴)، اهل کتاب تلویحاً به دو دسته تقسیم شده‌اند: یک دسته کسانی هستند که با کتمان حقیقت، کتاب خدا را کنار نهادند (بقره: ۱۰۱؛ ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۱) و از اینکه گروهی مدعی نزول کتاب آسمانی دیگری (قرآن) بودند ابراز ناخشنودی می‌کردند «مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۱۰۵؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱). قرآن به آنان هشدار داده است که اگر در مخالفت با پیامبر ﷺ و مسلمانان گام‌های عملی بردارند، باید منتظر واکنش دیگری باشند (بقره: ۱۰۹). دسته دوم کسانی هستند که خداوند در ادامه آیات قبلی، در توصیف آنها می‌فرماید: کتاب آسمانی خود را به شایستگی می‌خوانند و از آن پیروی می‌کنند و به پیامبر اکرم ﷺ ایمان می‌آورند (بقره: ۱۲۱).

پیامبر اکرم ﷺ پس از استقرار در مدینه، با اهل کتاب پیمان بست و آنان را در دین خود آزاد گذارد و اموالشان را محترم دانست و شرایطی ایجاد کرد که تحریکات دشمنان اسلام در مدینه بی‌تأثیر باشد (ر.ک: ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۴؛ طبرسی، إعلام السوری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۸). به باور محققان، محکم‌ترین و برترین پایه پیشرفت آیین مقدس اسلام با همین قراردادها ریخته شد (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵۲). قرآن کریم در سوره آل‌عمران، که سومین سوره مدنی است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۸، ۶۰)، پابندی خود را به اصولی که قبلاً یادآور شده، حفظ کرده و باز هم اهل کتاب را به مشترکات بین ادیان توحیدی دعوت نموده است (آل‌عمران: ۶۴). اما مخالفت اهل کتاب با اسلام و مسلمانان از حد ناخرسندی قلبی و آرزو برای موفق نشدن اسلام فراتر رفت و آنان بر ضد پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان اقدامات عملی کردند (ر.ک: ادامه مقاله). پس از این اقدامات بود که مسلمانان به مقابله با آنان پرداختند و با یاری خداوند بر آنان پیروز شدند «وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرَبَقًا يُغْتَلَبُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا» (احزاب: ۲۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۰۱-۳۰۳) و حوادثی که برای قبایل یهود، مانند بنی‌نضیر، در مدینه پیش آمد، پیامد پیمان‌شکنی آنان بود (ر.ک: حشر: ۲-۵؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۶۰-۵۶۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸۶-۳۸۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۰۷).

قرآن کریم حتی در آخرین سوره‌های نازل شده در مدینه نیز از اهل کتاب خواسته است برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، ایمان بیاورند «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (مائده: ۶۵). مفسران مقصود از ایمان را پذیرش دعوت پیامبر اکرم ﷺ (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴۱) یا عمل به تورات و انجیل و کتاب‌های آسمانی دانسته‌اند (مائده: ۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۵۴) و مراد از تورات و انجیل را اصل این کتاب‌ها ذکر کرده‌اند که تحریف نشده بود، هرچند با آمدن قرآن آنها نیز منسوخ شدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۳۷). افزون بر این، حلیت طعام اهل کتاب و ازدواج با زنان اهل کتاب نیز اعلام شد «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي

الْآخِرَةَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده: ۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰۴-۲۰۵). درباره شمول این حکم میان فرقه‌های اسلامی اختلاف دیدگاه وجود دارد (ر.ک: شافعی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ۲، ص ۵۶؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۴۴-۶۴۵؛ مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۳).

اقدامات اهل کتاب در مدینه

اهل کتاب در مدینه، با وجود پیمان‌هایی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسته بودند، برخوردهایی با پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان داشتند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. انکار حقایق: محققان بخشی از آیات سوره بقره و سوره نساء را درباره مهم‌ترین مجادله‌ها و انکارهای یهود از اهل کتاب دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۴-۴۵۵) که می‌گفتند ما حرف تو را نمی‌فهمیم («وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ» (بقره: ۸۸). همچنین گفته شده آیه ۴۷ سوره نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ...» درباره گروهی از بزرگان یهود است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را سوگند داد پیامبری ایشان را تصدیق کنند، ولی آنان انکار کردند و گفتند هرگز بر چنین چیزی گواهی نخواهند داد و بر کفر خود باقی ماندند (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۳۴). در دو آیه از قرآن تصریح شده است که یهودیان پیامبر صلی الله علیه و آله را همچون فرزند خود می‌شناختند («الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰)، با وجود این به انکار این حقیقت مهم می‌پرداختند (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲-۳۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۶-۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۳۷).

آیه ۱۹ سوره مائده «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى قُرْتَةِ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ» درباره رافع بن خريمه و وهب بن يهوذا نازل شد. معاذبن جبل و سعدبن عباد و عقبه بن وهب به آن دو - که دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای مسلمان شدن رد کرده بودند - یادآوری کردند که ای گروه یهود از خدا بترسید، شما می‌دانید که او پیامبر است، شما بودید که پیش از آمدنش مژده بعثت او را به ما می‌دادید و اوصافش را برای ما بیان می‌کردید، اما آن دو منکر این سخنان شدند و اعلام کردند که خداوند پس از موسی علیه السلام نه کتابی نازل کرده نه پیامبری فرستاده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۳-۵۶۴)؛ از این رو خداوند آیه ۱۹ سوره مائده را نازل و

داستان موسی علیه السلام را برای آنان بازگو کرد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۸۵).

۲. ادعای برتری: گروهی از اهل کتاب همواره می‌کوشیدند برتری خود را نشان دهند، چنان‌که آیه ۱۸ سوره مائده نیز درباره یهودیانی (بحری بن عمرو و شاس بن عدی) نازل شده است که چون رسول خدا آنان را به دین اسلام دعوت کرد، خودداری کردند و خود را فرزندان و دوستان خدا دانستند که هیچ‌گاه عذاب نمی‌شوند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۸۵)؛ از این رو، این آیه به آنان پاسخ داده است که شما آفریدگان خدا هستید و خدا هرکس را بخواهد عذاب می‌کند «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ». از نصاری نیز چنین سخنی گزارش شده است (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۳۵).

۳. استهزا: یکی از روش‌های دشمنان و مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله استهزا بود (← مقاله مشرکان). جمعی از یهودیان به مسجد رسول خدا می‌رفتند و مسلمانان و دینشان را مسخره می‌کردند. روزی رسول خدا آنان را دید که در مسجد کنار هم نشسته‌اند و آهسته سخن می‌گویند. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد از مسجد بیرونشان کنند (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۴۰). آیات ۴۴ تا ۴۶ سوره نساء «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ...» نیز در شأن رفاعه بن زید (یکی از بزرگان یهود)، نازل شده است. او رسول خدا صلی الله علیه و آله را هنگام سخن گفتن آن حضرت تمسخر می‌کرد و به اسلام طعنه می‌زد و عیب‌جویی می‌کرد (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۳۴). برخی از یهودیان مدینه با استفاده از تعبیری که نزد آنها معنای خوبی نداشت، مسلمانان را تمسخر می‌کردند، چنان‌که آیه ۱۰۴ سوره بقره به مسلمان تذکر می‌دهد از به‌کاربردن کلمه «راعنا» که نزد یهود معنای خوبی ندارد، پرهیز نمایند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۴۸).

۴. ایجاد ناامیدی: اهل کتاب و به ویژه یهودیان سعی داشتند مسلمانان را از اسلام ناامید و آنان را در این مسیر متزلزل کنند. عده‌ای از آنان صبح خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتند و به ظاهر ایمان می‌آوردند و آخر روز از دین برمی‌گشتند. در قرآن کریم به آن تصریح شده است «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران:

۷۲؛ ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۵؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۳-۶۱۴). آیه ۳۷ سوره نساء «الَّذِينَ يَبِخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ...» نیز در شأن چند تن از احبار یهود نازل شده است که سعی می‌کردند مسلمانان را ناامید نمایند (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۰۶). مورخان برخی از این یهودیان را اسامه بن حبیب، نافع بن ابی نافع، بحری بن عمرو، حیی بن اخطب و رفاعه بن زید معرفی کرده‌اند که نزد مسلمانان می‌رفتند و از آنان می‌خواستند پول‌های خود را در راه این دین صرف نکنند و آنان را از فقر (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۰) و کاری که سرانجام آن معلوم نیست می‌ترساندند (سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۶۳-۳۶۴). یهودیان دربارهٔ قبله نیز ادعای برتری داشتند و می‌گفتند چون مسلمانان در قبله تابع قبلهٔ یهودند، باید در دین هم از آنان پیروی کنند. قرآن در آیات ۱۴۲ تا ۱۴۵ سوره بقره به این موضوع اشاره کرده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳-۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۲۰؛ همو، إعلام الوری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ ← مقاله تغییر قبله).

۵. **مناظره:** یکی دیگر از شیوه‌های اهل کتاب در برابر دعوت پیامبر ﷺ برگزاری جلسات مناظره و پرسش و پاسخ بود، چنانکه ابن اسحاق از عده‌ای از یهودیان بنی نضیر، بنی ثعلبه بن فطیون، بنی قینقاع، بنی قریظه، بنی زریق، بنی حارثه، بنی عمرو بن عوف و بنی نجار نام برده است که همگی از دانشمندان یهود بودند که برای غلبه بر رسول خدا پرسش‌هایی مطرح می‌کردند (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱۳-۵۱۶) و در پاسخ آنان آیاتی نازل می‌شد (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۳۱)، از جمله آیه ۱۵۳ سوره نساء «يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ...» که ماجرای درخواست کتاب از آسمان را نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۶). به باور برخی، این آیه دربارهٔ سِکِّين و عدی بن زید نازل شده است که مدعی بودند پس از موسی ﷺ بر بشری از آسمان آیه نازل نشده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۳۵). همچنین در آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران به مناظره مسیحیان نجران اشاره شده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۹۵-۶۹۶، ۷۶۲-۷۶۳).

۶. **مباهله:** پس از مناظره و بحث مسیحیان نجران با رسول خدا ﷺ، قرار شد میان آنان مباهله صورت گیرد (← مقاله مباهله). آیه مباهله در این باره نازل شده است «... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ

أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبْتِهَلْ...» (آل عمران: ۶۱؛ ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۱۱؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۹۹، ۱۰۶-۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۶۳-۷۶۴). رسول خدا ﷺ به همراه علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام برای مباحله رفتند، ولی مسیحیان با دیدن آنان به حقانیت آن حضرت پی بردند و حاضر به مباحله نشدند (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۲-۸۳؛ مفید، الارشاد، ۱، ص ۱۶۷-۱۶۸).

۷. پیمان شکنی: اهل کتاب بارها پیمان شکنی کردند، از جمله مهم ترین آنها پیمان شکنی یهودیان بنی قینقاع بود که پس از جنگ بدر با توهین یکی از یهودیان به زنی مسلمان و سپس قتل مسلمان حامی آن زن شروع شد (بلاذری، ۱، ص ۳۰۹). قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره انفال (وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْذِرْهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ) به آن اشاره کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۵۰). از دیگر پیمان شکنی های آنان، توطئه قتل پیامبر ﷺ در قلعه یهود بنی نضیر (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۵۹) و توطئه های کعب بن اشرف، از بزرگان یهود بنی نضیر، بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸۷). قرآن در سوره حشر به این ماجرا اشاره کرده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۴۳۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۹، ص ۹۹). در جنگ خندق نیز یهود بنی قریظه با مشرکان همدست شدند و پیمان شکنی کردند. قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره احزاب «إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ...» به این ماجرا پرداخته است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۵، ص ۳۵۴). علاوه بر این یهودیان پیمان شکنی های متعدد دیگری نیز داشتند (← مقاله قبایل یهود).

۸. تحریک مشرکان قریش: مفسران و تاریخ نگاران معتقدند آیه ۵۱ سوره نساء «... يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُوَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ لَا يَهْدِي مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» درباره حبی بن اخطب و سلام بن ابی الحقیق و جمعی دیگر از اهل کتاب نازل شده است که احزاب قریش را بر ضد مسلمانان تحریک می کردند و در پاسخ پرسش مشرکان مکه که «دین آنها بهتر است یا دین پیامبر ﷺ؟»، بر انکار خود پافشاری کردند و دین مشرکان را بهتر و آنان را هدایت یافته تر دانستند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۳؛ زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۱۹). گروهی از اهل کتاب (یهودیان)،

بدیهی‌ترین اعتقادات خود را نیز زیر پا گذاشتند و در برابر بت‌های مشرکان سر تعظیم فرود آوردند (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۲). آنان با مشرکان همدست شدند و پیمان خود را با پیامبر ﷺ و مسلمانان شکستند (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲؛ طبری، تاریخ، ۲، ص ۵۶۵) و حتی با منافقان هم‌پیمان شدند (ر.ک: حشر، ۱۱؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۸۰؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۹، ص ۳۴). آنان در جنگ احزاب در تحریک قریش علیه پیامبر ﷺ و مسلمانان نیز نقش داشتند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۴۱-۴۴۲؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۴؛ ← مقاله احزاب).

۹. نقشه قتل: برخی از مفسران و مورخان بر آن اند که آیه ۱۱ سوره مائده «إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ» درباره نقشه گروهی از یهود برای قتل پیامبر ﷺ نازل شده است؛ هنگامی که حضرت برای جلب کمک به قلعه یهود بنی‌نضیر رفت و در کنار دیوار قلعه نشست، آنان تصمیم گرفتند از بالای قلعه روی حضرت سنگ بیندازند و او را به قتل برسانند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۹۲؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۶۳). برخی دیگر از مفسران آیه را قابل انطباق بر بسیاری از وقایع دانسته‌اند، از جمله غزوة بدر، احد و احزاب (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۳۸). مورخان معتقدند نقشه قتل پیامبر ﷺ را بارها برخی از یهودیان طراحی کردند ولی هر بار خدای تعالی او را از نقشه‌ها آگاه می‌کرد (← مقاله ترور پیامبر ﷺ)، از جمله وقتی زنی یهودی گوشت گوسفند را مسموم کرد و برای آن حضرت هدیه آورد (قطب راوندی، ۱، ص ۲۷).

نکوهش شدگان از اهل کتاب

از گروه‌هایی از اهل کتاب در قرآن با عناوینی چون ظالم، کافر، فاسق و بدترین مخلوق یاد شده است (بقره: ۱۰۵؛ مائده: ۵۹؛ عنکبوت: ۴۶؛ بینه: ۶) که با توجه به سیاق آیات، مراد از ایشان در بیشتر این آیات، یهودیان هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۳۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۴۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۷۶). گروهی از آنان کتاب خود را رها کردند و گویی چیزی از آن نمی‌دانند (بقره: ۱۰۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۷؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۲۴۴). در برخی از آیات نیز از کافران اهل کتاب در کنار مشرکان یاد شده است (بقره: ۱۰۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۸). آیه ۲۹ سوره توبه آنان را کسانی می‌داند

که به خدا و روز جزا ایمان ندارند و آیین حق را نمی‌پذیرند «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
الْآخِرِ». در آیه ۱۲۱ سوره بقره، زیان‌کاران از اهل کتاب را کسانی می‌داند که به جای پیروی از
کتاب، به آن کفر می‌ورزند. در نهایت، بیشتر اهل کتاب فاسق (مأئده: ۵۹، ۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲،
ج ۳، ص ۳۳۰، ۳۵۸) و بدکار «وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مأئده: ۶۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶،
ص ۱۹۸) معرفی شده‌اند که موارد فسق آنان شتاب در گناه، تعدی، حرام‌خواری «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ
يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ» (مأئده: ۶۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳۴) و
دوستی با کافران است (مأئده: ۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۵۸).

برخی آیات گروهی از اهل کتاب را که به تکذیب رسول خدا و جنگ با آن حضرت پرداختند
(← مقاله قبایل یهود)، کافر دانسته‌اند «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ»
(حشر: ۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۰۱). در آیات دیگری عقاید شرک‌آمیز اهل کتاب مطرح
شده است (نساء: ۱۷۱؛ مأئده: ۱۷، ۷۲-۷۳، ۷۵، ۷۷؛ توبه: ۳۰-۳۱). با توجه به اینکه در قرآن
کریم مشرکان نجس دانسته شده‌اند «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» (توبه: ۲۸؛
طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۳)، فقها درباره طهارت و نجاست اهل کتاب آرای خود را بیان کرده‌اند
(اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲۰؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۳)، که نظر مشهور در نزد امامیه
نجاست آنان است (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۵؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۲)؛ البته برخی
از فقهای امامیه مخالف این نظرند (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۶-۳۷).

منابع و مأخذ

١. آلوسی، سيد محمود (م. ١٢٧٠ق)، روح المعانی فی تفسير القرآن العظيم، تحقيق: علی عطية، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٢. ابن ابي حاتم، عبدالرحمن بن محمد (م. ٣٢٧ق)، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن ابي حاتم)، تحقيق: اسعد محمد طيب، بيروت: مكتبة العصرية، ١٤١٩ق.
٣. ابن ادريس حلي، محمد بن منصور (م. ٥٩٨ق)، السرائر، قم: نشر اسلامي، ١٤١٠ق.
٤. ابن تركماني، علی بن عثمان مارديني، الجوهر النقي فی الرد علی البيهقي، بيروت: دار الفكر، بی تا.
٥. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علی (م. ٥٩٧ق)، زاد المسير فی علم التفسير، تحقيق: عبدالرزاق مهدي، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٢٢ق.
٦. _____، المنتظم فی تاريخ الامم والملوك، تحقيق: محمد و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٢ق.
٧. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علی (م. ٨٥٢ق)، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقيق: عادل احمد، علی محمد، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٨. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٩. ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم (م. ٢٧٦ق)، المعارف، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٢م.
١٠. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. ٧٧٤ق)، البداية والنهاية، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ق؛
١١. _____، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
١٢. ابن هشام، عبدالملك حميري (م. ٢١٣ق)، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى سقا، بيروت: دار المعرفة، بی تا.
١٣. ابوالفتوح رازي، حسين بن علی (م. ٥٥٤ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسير القرآن، تحقيق: ياحقي، ناصح، مشهد: آستان قدس رضوي، ١٤٠٨ق.
١٤. ابوحيان اندلسي، محمد بن يوسف (م. ٧٤٥ق)، البحر المحيط فی التفسير، تحقيق: صدقي محمد جميل، بيروت: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
١٥. ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. ٢٧٥ق)، سنن ابي داود، تحقيق: سعيد محمد لحام، بيروت: دار الفكر، ١٤١٠ق.
١٦. احمد بن حنبل، شيباني (م. ٢٤١ق)، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، بی تا.
١٧. احمدی میانجی، علی (م. ١٤٢١ق)، مكاتيب الرسول ﷺ، قم: انتشارات دار الحديث، ١٤١٩ق.

١٨. اردبیلی، احمد بن محمد (م. ٩٩٣ق)، مجمع الفائدة والبرهان في شرح ارشاد الاذهان، تحقيق: عراقي وديگران، قم: نشر اسلامي، ١٤٠٣ق.
١٩. بحراني، سيد هاشم حسيني (م. ١١٠٧ق)، البرهان في تفسير القرآن، تهران: بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
٢٠. بحراني، يوسف بن احمد (م. ١١٨٦ق)، الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، تحقيق: محمد تقى ايرواني، قم: نشر اسلامي، بي تا.
٢١. بخاري، محمد بن اسماعيل (م. ٢٥٦ق)، صحيح البخاري، بيروت: دار الفكر، ١٤٠١ق.
٢٢. بغدادى، على بن محمد (م. ٧٤١ق)، لباب التأويل في معاني التنزيل (تفسير الخازن)، تحقيق: محمد على شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٢١. بغوى، حسين بن مسعود (م. ٥١٠ق)، معالم التنزيل (تفسير بغوى)، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك، بيروت: دار المعرفة، بي تا.
٢٢. بلاذرى، احمد بن يحيى (م. ٢٧٩ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، ١٤١٧ق.
٢٣. بياضوى، عبد الله بن عمر، انوار التنزيل واسرار التأويل، تحقيق: محمد عبد الرحمن مرعشلى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
٢٤. بيهقى، احمد بن حسين (م. ٤٥٨ق)، دلائل النبوة ومعرفة احوال صاحب الشريعة، تحقيق: عبد المعطى قلجى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٢٥. _____، السنن الكبرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٦ق.
٢٣. پاكچى، احمد، اهل كتاب، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، زیر نظر سيد كاظم موسوى بجنوردى، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ١٣٨٠ش.
٢٦. جواد على (م. ١٤٠٨ق)، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، تهران: انتشارات آوند دانش، بي تا.
٢٧. حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، ١٤١٤ق.
٢٨. حسيني استرآبادى، سيد شرف الدين على (م. ٩٦٥ق)، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، تحقيق: حسين استادولى، قم: نشر اسلامي، ١٤٠٩ق.
٢٩. حقى بروسوى، اسماعيل (م. ١١٣٧ق)، تفسير روح البيان، بيروت: دار الفكر، بي تا.
٣٠. دارقطنى، على بن عمر، سنن الدارقطنى، تحقيق: مجدى شورى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق.
٣١. دارمى، عبد الله بن رحمن (م. ٢٥٥ق)، سنن الدارمى، دمشق، مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق.
٣٢. دروزه، محمد عزة (م. ١٤٠٤ق)، عصر النبى وبيئته قبل البعثة، بيروت: دار اليقظة العربية، ١٣٨٤ق.
٣٣. دعواق، عمر و فائق، مؤمنوا اهل الكتاب و مكانتهم فى الاسلام، بيروت: دار البشائر الاسلامية، ١٤١٩ق.

٣٤. ذهبی، محمد بن احمد (م. ٧٤٨ق)، تاريخ الاسلام و وفیات المشاهير والاعلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
٢٤. زمخشري، محمود بن عمر (م. ٥٣٨ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأفاويل في وجوه التأويل، تحقيق: محمد عبدالسلام شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٧ق.
٣٥. زيلعي، عثمان بن علي (م. ٧٤٣ق)، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، قاهرة: دار الكتب الاسلامي، ١٣١٣ق.
٣٦. سبحاني، جعفر، فروغ ابديت، قم: بوستان كتاب، ١٣٨٥ش.
٣٧. سرخسي، محمد بن احمد (م. ٤٨٣ق)، المبسوط، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٦ق.
٣٨. سمرقندي، نصر بن محمد (م. ٣٧٥ق)، بحر العلوم (تفسير سمرقندي)، بيروت: دار الفكر.
٣٩. سمعاني، منصور بن محمد (م. ٤٨٩ق)، تفسير القرآن، تحقيق: ياسر بن ابراهيم، رياض، دار الوطن، ١٤١٨ق.
٤١. سهيلي، عبدالرحمن بن عبدالله (م. ٥٨١ق)، الروض الأنف في شرح السيرة النبوية، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤١٢ق.
٤٢. سيوطي، جلال الدين، الاتقان في علوم القرآن، تحقيق: فواز احمد، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٢١ق.
٤٣. _____، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم: كتابخانه مرعشي نجفي، ١٤٠٤ق.
٤٤. شافعي، محمد بن ادریس، احكام القرآن، تحقيق: عبدالغني عبدالخالق، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٠ق.
٤٥. شبّر، سيد عبدالله، الجوهر الثمين في تفسير الكتاب المبين، كويت، مكتبة الألفين، ١٤٠٧ق.
٤٦. شريف لاهيجي، محمد بن علي (م. ١٠٨٨ق)، تفسير شريف لاهيجي، تحقيق: سيد جلال الدين حسيني، تهران: نشر داد، ١٣٧٣ش.
٤٧. شوکانی، محمد بن علي (م. ١٢٥٠ق)، فتح القدير، بيروت: دار ابن كثير، ١٤١٤ق.
٤٠. _____، نيل الاوطار من احاديث سيد الاخيار، بيروت: دار الجيل، ١٩٧٣م.
٤٨. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم (م. ٥٤٨ق)، الملل والنحل، تحقيق: محمد سيد كيلاني، بيروت: دار المعرفة، ١٤٢٢ق.
٤٩. شيباني، محمد بن حسن، نهج البيان عن كشف معاني القرآن، تحقيق: حسين درگاهی، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامي، ١٤١٣ق.
٥٠. صادقي، مصطفي، برخوردارهاي مسالمت آميز پيامبر ﷺ با يهود، تاريخ اسلام (فصلنامه)، قم: دانشگاه باقر العلوم ﷺ، ش ٢، ١٣٧٩ش.
٥١. صالحی شامی، محمد بن يوسف (م. ٩٤٢ق)، سبيل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق: عادل احمد عبدال موجود، علي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.

۵۲. طباطبائی، سید محمدحسین (م. ۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسة آل البيت (ع) (لاحیاء التراث)، ۱۴۱۷ق.
۵۴. _____، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: ابوالقاسم گرچی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ش.
۵۵. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۵۶. طبری، محمد بن جریر (م. ۳۱۰ق)، تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۵۷. _____، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۵۸. طنطاوی، محمد سید (م. ۱۴۳۱ق)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: دارالمعارف، ۱۴۱۲ق.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۶۰. _____، تهذیب الاحکام، تحقیق: موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۶۱. _____، الخلاف، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۶۲. _____، المبسوط فی فقه الامامیة، تحقیق: محمدباقر بهبودی، المکتبة المرتضویة، ۱۳۸۸ق.
۶۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم: انتشارات دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۶۴. عاملی، سید محمدجواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، تحقیق: محمدباقر خالصی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۶۵. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۶۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (م. ۷۲۶ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
۶۷. _____، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۶۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: رسولی محلاتی، تهران: الاسلامیة، بی تا.
۶۹. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، الاصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدحسین درایتی، محمدرضا نعمتی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۷۰. قرطبی، محمد بن احمد (م. ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۷۱. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ق.
۷۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴ق.

۷۳. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (م. ۹۸۸ق)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی علمی، ۱۳۳۶ش.
۷۴. _____، زبدة التفاسیر، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۳ق.
۷۵. کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
۷۶. کلاتری، علی اکبر، الجزیة واحکامها فی الفقه الاسلامی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۷۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۷۸. مالک بن انس (م. ۱۷۹ق)، المدونة الکبری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۲۳ق.
۷۹. _____، الموطأ، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۸۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق.
۸۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۸۳. مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۸۴. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسة آل البيت (ع)، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۳ق.
۸۵. _____، تحریم ذبائح اهل کتاب، تحقیق: مهدی نجف، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۸۶. مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۸۷. مقریزی، احمد بن علی (م. ۸۴۵ق)، امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع، تحقیق: محمد نمسی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۸۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۸۹. نجفی، محمد حسن (م. ۱۲۶۶ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶ش.
۹۰. نصیری، علی و دیگران، اهل کتاب، دائرة المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۹۱. نووی، محیی الدین بن شرف (م. ۶۷۶ق)، المجموع شرح المذهب، دار الفکر، بی تا.
۹۲. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

۹۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۹۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م. ۲۹۲ق)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۹۵. Leaman, Oliver, "Ahl Al-Kitab", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, ۲۰۰۶.
۹۶. Id., Oliver, "Christianity", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, ۲۰۰۶.
۹۷. Id., "Judaism", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, ۲۰۰۶.
۹۸. Sharon, M., "People of the Book", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. McAuliffe, Jane Dammen, ۵ Vols., Leiden: Brill, ۲۰۰۱-۲۰۰۶.

